

برنامه هسته‌های کارگران پیشتاز سوسیالیستی (۳)

شوراهای کارگری



باسلام و درود خدمت همه همکاران عزیز ارکان ثالث، و بقیه کارگران و زحمتکشان ایران. خسته نباشید در اول سالی که از ابتدای آن باز این صاحبکارها با تعیین حداقل دستمزد خاک به‌سفره ما ریختند و نشان دادند که منافع ما نه توسط این‌ها و نه دولتی که نماینده‌اش در هیئت سه‌جانبه پشت‌به‌پشت ایشان این حداقل دستمزد را از تصویب گذراند، تامین خواهد شد. به آن‌هایی هم که به‌نام نماینده ما کارگران در این هیئت شرکت کردند و گویا پس‌ار تصویب حداقل دستمزد فشار خوششان بالا رفت و باعصبانیت جلسه را ترک گفتند و آن‌را امضا نکردند، می‌گوئیم: اولاً، روشن کنید چه‌کسانی شما را انتخاب کرده‌اند که نماینده ما شدید؟ دوماً، مرد مومن، وقتی تو در این جلسات فرمایشی شرکت می‌کنی در واقع داری به آن رسمیت و حقانیت می‌بخشی. تو اگر نماینده ما بودی از همان ابتدا نباید شرکت می‌کردی. حالا قهر کن و امضا نکن، به‌چه دردی می‌خورد؟ نوش‌دارو پس‌از مرگ سهراب؟ اگر فکر می‌کنی با این حرکت‌ها می‌توانی اعتباری کسب کنی و سر عده‌ای را شیره بمالی، از همین حالا گفته باشیم: حنای تو و ارباب‌هایت دیگر پیش ما رنگی ندارد. کارگر بودن به‌اسم نیست، به‌شرف کارگری‌ست.

حالا بپردازیم به ادامه بحث خودمان از شماره قبل.

ما در شماره پیشین درباره فعالیت علنی و محافل مخفی صحبت کردیم و گفتیم که فعالیت‌های علنی ظرف چهل‌وپنج سال گذشته نعتها ثمره مثبتی نداشت بلکه بسیاری از کارگران شریف و مبارز را یا روانه گوشه زندان‌ها کرد و یا کلاً از گردونه مبارزه به‌بیرون انداخت، در حالی‌که ما به‌زحمت قدمی به‌جلو برداشتیم. در مقابل آن، ما از شیوه دیگری به‌نام محافل مخفی صحبت کردیم که می‌تواند با تعدادی اندک اما در شماری فراوان در بخش‌های مختلف یک‌کارخانه و کارخانجات مختلف تشکیل شود و وظیفه افزایش آگاهی عمومی کارگران و سازمان‌دهی اعتراضات و اعتصابات را برعهده بگیرد. شرکت در محافل مخفی به‌معنای جداشدن از کف کارخانه و رفتن به گوشه تاریک یک زیرزمین نیست، بلکه مبارزه فعال در کنار کارگران است بدون آن‌که تابلو شویم و عرب‌و‌عجم ما را بشناسند. این کارگران مورد اعتماد و احترام بقیه هستند، اما لزومی ندارد به‌عنوان عضو محفل مخفی شناخته شوند. همه این پیشگیری‌ها نیز باهدف حفظ سلامت و امنیت این کارگران است. این هسته‌ها درواقع پایه‌های اولیه حزب کارگری هستند. حالا در مورد اشکال دیگر تشکیلات صحبت می‌کنیم، اگرچه درحال حاضر امکان شکل‌گیری آنان وجود ندارد، اما در زمان مناسب به‌وجود می‌آید و پدران ما در گذشته شاهد به‌وجود آمدن آن بودند.

شوراهای کارگری

درک خیلی از همکاران ما در مورد شورای کارگری عبارت‌از جمعی‌ست که دور هم جمع می‌شوند و شورومشورت می‌کنند که کاملاً ضروری و لازم است و خودبه‌خود اتفاق می‌افتد. کارگران محافل مخفی نیز در این مشاوره‌ها شرکت می‌کنند و در مورد برنامه‌های مورد قبولشان حرف می‌زنند. اما وقتی ما از شوراهای کارگری حرف می‌زنیم معنای دیگری مد نظر ماست؛ معنایی که قدیمی‌ترها و پدران ما به‌خوبی به‌خاطر دارند. شوراهایی که ناگهان و به‌صورت خودجوش در سال ۵۷ به‌وجود آمد. البته

کارگران آگاه و فعال در ظهور آن نقش موثری داشتند، اما شرایط موجود برای امکان تشکیل آن مهمتر از نقش کارگران آگاه بود، مثلا ما حالا نمی‌توانیم اراده کنیم و این شوراها ناگهان ساخته شوند. این شوراها، که در زمان مساعد بهسرت به وجود می‌آید، در زمانی شکل می‌گیرند که دولت نه قدرت، و نه کنترل چندانی بر اوضاع دارد، مانند آبان، آذر، دی و بهمن‌ماه سال ۵۷. جامعه که دچار نابسامانی شده می‌خواهد خودش را به‌سامان کند، و آدم‌ها در هر جا که هستند، کارخانه، مدرسه، دانشگاه، محله و اداره شورا‌هایی برای رتق و فتق امور خودشان به‌راه می‌اندازند. همان‌طور که در سال ۵۷ این کار را کردند. معمولا این شوراها توسط کارگرانی با دیدگاه‌های مختلف تشکیل می‌شود. اگرچه کارگران پیش‌تاز محفل‌های مخفی نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری این شوراها دارند، اما شورا محدود به آن‌ها نمی‌شود. کارگران برای شرکت در شوراها کسانی را انتخاب می‌کنند که از قبل شناخته‌شده و مورد اعتماد آنان بودند. به همین جهت، کارگران محافل مخفی امروز می‌توانند رهبران شوراهای فردا باشند. در این دوران که نمی‌تواند تا قیام قیامت ادامه پیدا کند و باید هرچه زودتر به‌نفع یکی از طرفین فیصله پیدا کند، ما با دوقدرت روبرو هستیم؛ دولت به‌عنوان نماینده قدرت صاحب‌کارها و شورا نماینده قدرت مردم، اما بسته به‌تناسب قوا یکی از این دو طرف باید حذف شود.

در صورت حذف دولت، شوراها جای پای خود را محکم می‌کنند و وظیفه حفظ دستاوردهای انقلاب و جلوگیری از به قدرت رسیدن صاحب‌کارهای گذشته و یا عده‌ای با لباسی جدید را بر عهده می‌گیرند. بی‌خود نبود که حکومت فعلی در سال ۵۷ بلافاصله انحلال شوراها، از جمله مهم‌ترین شورای شرکت نفت را اعلام کرد. آن‌ها وحشت داشتند که این شوراها جای پای خود را محکم کنند و مدعی شوند. بسیاری از کارگران هم آگاهی نداشتند و فریب دروغ‌های حکومت جدید را خوردند و به این خواسته آنان تن دادند.

این شوراها پس از حذف قدرت قبلی، به کار خود ادامه می‌دهند و از طریق انتخابات، نمایندگان کارگران و زحمتکشان در شوراهای هر شهر و روستا را انتخاب می‌کنند که وظیفه نظارت بر کلیه امور منطقه خود را بر عهده دارند، و از آن جایی‌که پایه اصلی حکومت بعدی بر وحدت شوراها و کمیته‌های کارخانه‌جات، محلات، سربازان، بیکاران، روستائیان و کلیه زحمتکشان قرار دارد که منفعت مشترک همه آن‌ها رفع تبعیض‌ها و خلع مالکیت از صاحب‌کارهاست، در نتیجه، این شوراها شکل و محتوای دولت بعدی، یعنی دولت کارگران و زحمتکشان را تعیین می‌کنند. این شوراها محدود به برنامه خاص یک‌حزب و یا یک‌گروه نیست و درهای آن به‌روی همه کسانی که تا دیروز مورد ستم و بهره‌کشی بوده‌اند باز است، طبیعی‌ست که صاحبان و تشکیل‌دهندگان این شورا اجازه ورود صاحب‌کارها و نمایندگان آنان به‌داخل شورا را نمی‌دهند؛ زیرا آن‌ها می‌خواهند هنوز در مثل سابق روی لولای قدیم بچرخد، که دیگر مورد قبول کارگران نیست. همان‌طور که صاحب‌کارها و سرمایه‌دارها اجازه نمی‌دهند که کارگران امتیازات آنان را از دستشان بگیرند و علاقه دارند همچنان به بهره‌کشی آنان ادامه بدهند، منطقی است که کارگران هم نمی‌خواهند حکومتی که خودشان تشکیل داده‌اند و مناسباتی که خودشان به‌راه انداخته‌اند توسط صاحب‌کارها به‌کناری زده شود. هر دو طرف برای حفظ آنچه دارند و یا به‌دست آورده‌اند مبارزه و مقاومت می‌کنند.

حالا ممکن است همکاری بگوید خوب، صاحب‌کارها هم با همین منطق ما کارگران را سرکوب می‌کردند و اگر شما به‌قدرت برسید همان کار را خواهید کرد پس فرق شما چیست؟ فرق ما در این است که در حکومت سرمایه‌دارها تعداد بسیار کمی، همان‌طور که خودتان هم می‌بینید، تقریبا تمام ثروت جامعه را در دست خودشان دارند؛ در حالی‌که اکثریت جامعه مثل ما در فقر و فاقه زندگی می‌کنند؛ اما در حکومت کارگری چون اکثریت جامعه به‌قدرت می‌رسد و توزیع درآمد به‌شکل عادلانه‌تری انجام می‌شود، در نتیجه، ثروت و راحتی فقط ملک طلق یک عده انگشت‌شمار نیست. آیا به‌نظر شما این بی‌عدالتی‌ست یا آنچه که امروز وجود دارد؟

حکومت ما یک‌طرف بزرگ دیگر هم دارد. ما مثل آن‌ها هر کس را که مخالف عقیده ما بود سرکوب نمی‌کنیم؛ البته تاجایی‌که در مقابل دولت ما اسلحه بر ندارد. بعد از آن هم جنگ است دیگر. ما حتی اجازه می‌دهیم هر کسی دسته و حزب خودش را داشته باشد و هر چه می‌خواهد بگوید. معیار حرف نیست، عمل است و ما باید در عمل نشان دهیم که چندمرده حلاجیم. مطمئنا این دوران بسیار سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود. از یک‌طرف سرمایه‌دارهایی که مال‌و‌املاک خود را از دست داده‌اند، از طرف دیگر کشورهایی که می‌خواهند انقلاب کارگران را در نطفه خفه کنند، اما وقتی مردم پشت سر حکومت خودشان باشند و حرف‌هایش را باور کنند، می‌شود از این سختی‌ها گذشت. در قیل اتفاق افتاده.

مشکل دیگر خود جامعه است که تا دیروز بر پایه حسین قلی‌خانی می‌چرخید. هر کس پول و قدرت داشت پادشاه بود و باید هر طور شده حتی با کلاه‌گذاشتن سر این‌و آن زندگیت را می‌گذراندی. شاید هیچ‌کس چنین رفتاری را دوست نداشته باشد، اما از قدیم گفته‌اند شکم گرسنه دین‌و ایمان سرش نمی‌شود. حالا اگر حکومتی پیدا شود که بتواند با تقسیم عادلانه ثروت مشکل فقر را کم‌کم از میان بردارد، فرهنگ نیز تغییر می‌کند. شاید از نظر خیلی از همکاران این حرف‌ها شبیه خواب‌و خیال به‌نظر بیاید، اما باز هم پدران ما و قدیمی‌ها به‌خاطر دارند که چگونه وقتی شاه سقوط کرد و امید در دل‌ها افتاد مردم مهربان‌تر سخاوتمندتر و از خودگذشته‌تر شدند، ما که ماجرای جنگ را فراموش نکردیم. اگرچه این جنگ ربطی به ما نداشت اما ما بودیم که با شرف کارگری جنگیدیم و یا در بعد از خانه شدیم. آن‌وقت‌ها هنوز امید داشتیم و چه اشتباهی کردیم. البته این ماجرا دوام چندانی پیدا نکرد چراکه طی مدتی کوتاه تجربه‌های صدمبار تلخ‌تر دوباره مردم را به‌جای اولشان برگرداند.

انتخابات شوراها هم بر پایه شناخت واقعی و رودرروی کارگران از هم‌دیگر انجام می‌شود و همین مردم انتخاب‌کننده طبق قانون اساسی می‌توانند کسی را که دیروز انتخاب کردند و امروز راه خطا رفت، به‌انی از صندلی نمایندگی پائین بکشند و آدم مطمئن دیگری را به‌جای او بنشانند. به این ترتیب، شوراهای کارگری و مردمی نهادها پایه‌های حکومت شوراها هستند بلکه نقش سوپاپ اطمینان و کنترل کیفیت حکومت را نیز بازی می‌کنند.

شوراها در رابطه با برنامه‌ریزی تولید و توزیع منطقه نیز به‌شکل مستقل عمل می‌کنند، چرا که این آدم‌ها از نزدیک با امکانات و نیازهای مردم منطقه آشنا هستند. این برنامه توسط نمایندگان آنان در شورای متحد مرکزی عرضه می‌شود و پس از هماهنگی

سراسری توسط حکومت شوراها مجدداً برای اجرا به‌همان منطقه ابلاغ خواهد شد. به‌این‌ترتیب، برخلاف سیستم فعلی که در آن مثنی مهندس و متخصص و وزیر و وکیل در مرکز برای کارگران و زحمتکشان کرد و ترک و بلوچ تصمیم می‌گیرند، بدون آن‌که حتی بدانند درد آن‌ها چیست؛ برنامه‌ریزی تولیدتوزیع در حکومت کارگری از پائین و توسط تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان اصلی هر منطقه ارائه و هدایت می‌شود.

اگرچه ما کارگران در اثر تهاجم‌های دولت به دستاوردهای انقلاب ۵۷ و سپس سرکوب بعد از آن دچار ضعف شدیدی شدیم و شرایط امکان تشکیل سازمان‌های دائمی توده‌ای طبقه کارگر تقریباً غیرممکن شده است، اما به‌محض آن‌که شرایط مساعد فراهم شود دوباره این سازمان‌ها به‌سرعت تشکیل خواهند شد. قدیمی‌ها به‌یاد دارند که در سال‌های ۵۰ به‌بعد ساواک چنان قدرتی داشت که همه باورش‌شان شده بود، از هر پنج نفر در جامعه، دو نفر ساواکی و خبرچین حکومت هستند. چه‌کسی فکر می‌کرد روزی خواهد رسید که شورای کارگران شرکت نفت شیر نفت‌ها را می‌بندد و کمر رژیم شاه را می‌شکند، و با شوراها محلات کاسه‌وکوزه شهربانی و کلانتری را جمع می‌کنند. اما این اتفاق افتاد و تنها اشتباهی که ما کردیم این‌بود که به‌جای اعتماد به‌خودمان افسارمان را دادیم دست عده‌ای که خودشان را حامی و دوستدار کارگران معرفی می‌کردند و بر دست‌های پینه‌بسته ما بوسه می‌زدند، چون تشکیلات مستقل خودمان را نداشتیم. اما دیگر این‌کار را نمی‌کنیم. مگر آدم عاقل از یک‌سوراخ چندبار گزیده می‌شود. برای آماده‌بودن و دوباره درجه نیفتادن در لحظات حساس نهایی باید مقدمات را از همین امروز بریزیم و اولین قدم این تدارک تشکیل محافل مخفی کارگری‌ست.

ما در شماره بعدی به شکل‌های دیگری از تشکیلات می‌پردازیم

شماره ۵۷ - ۱۴ اردیبهشت

پیروز باشید

- پیش به‌سوی ساختن هسته‌های مخفی کارگران پیش‌تاز سوسیالیست!
- پیش به‌سوی اتحاد کارگران پیش‌تاز بر محور یک برنامه اقدام کارگری!
- پیش به‌سوی اتحاد عمل سراسری کارگران و تشکیل ستاد رهبری کارگری!
- پیش به‌سوی برقراری حکومت کارگری و جامعه آزاد سوسیالیستی!
-

بولتن کارگری هسته کارگران پیش‌تاز سوسیالیست (خوزستان)

<https://t.me/ahvazijava>